

به نام خدا

# ترویج سواد رسانه ای انتقادی در آموزش و پرورش

مولفان :

بهرروز علمی مریان

حبیبه خانی پور

حسینقلی قاصد

حسین یوسفی خطبه سرا

سیما قهری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: ترویج سواد رسانه‌ای انتقادی در آموزش و پرورش / مولفان بهروز علمی‌مریان...[و دیگران].  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۲۹ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۲-۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: مولفان بهروز علمی‌مریان، حبیبه‌خانی‌پور، حسینقلی‌قاصد، حسین یوسفی‌خطبه‌سرا، سیما قهری.  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۱ - ۱۲۹.  
Media literacy -- Iran موضوع: سواد رسانه‌ای -- ایران  
Media literacy -- Social aspects سواد رسانه‌ای -- جنبه‌های اجتماعی  
Education -- Social aspects -- Iran آموزش و پرورش -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی  
Mass media -- Influence رسانه‌های گروهی -- تاثیر  
شناسه افزوده: علمی‌مریان، بهروز، ۱۳۶۳ -  
رده بندی کنگره: ۳۰۲/۲۳۰۹۵۵  
رده بندی دیویی: P۹۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۳۹۶۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: ترویج سواد رسانه‌ای انتقادی در آموزش و پرورش  
مولفان: بهروز علمی‌مریان - حبیبه‌خانی‌پور - حسینقلی‌قاصد  
حسین یوسفی‌خطبه‌سرا - سیما قهری  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زیرجد  
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۲-۸  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	بخش اول (رونمایی از منظر رسانه در ایران).....
۶	توسعه تاریخی رسانه در ایران .....
۸	مروری بر چشم انداز رسانه های فعلی .....
۱۰	دولت در مقابل رسانه های خصوصی: قانون متعادل کننده .....
۱۳	نقش رسانه های اجتماعی و پلتفرم های دیجیتال .....
۱۶	پیمایش سانسور رسانه ها و محدودیت ها .....
۱۸	رسانه ها و اینفلوئنسرهای مطرح ایرانی .....
۲۱	تحلیل روایات رسانه ای در بافت ایرانی .....
۲۴	ایجاد نیاز به سواد رسانه ای انتقادی .....
۲۷	بخش دوم (مبانی سواد رسانه ای انتقادی).....
۲۸	تعریف سواد رسانه ای انتقادی .....
۳۰	اهمیت آموزش رسانه .....
۳۲	مهارت های اصلی در تحلیل رسانه ها .....
۳۵	باز کردن بسته بندی پیام ها و نمایش های رسانه ای .....
۳۷	شناخت تعصب و تبلیغات رسانه ای .....
۴۰	تفکر انتقادی در عصر دیجیتال .....
۴۲	ترویج مصرف رسانه ای شکاک .....
۴۴	پرورش شهروندان آگاه .....
۴۷	بخش سوم (سیاست های آموزشی و سواد رسانه ای در ایران).....
۴۸	مروری بر نظام آموزشی ایران .....
۵۰	سواد رسانه ای در برنامه درسی ملی .....
۵۲	ابتکارات سیاست برای آموزش رسانه .....

۵۵	چالش ها و فرصت ها در اجرا
۵۷	مطالعات موردی: برنامه های موفق در ایران
۵۹	همکاری بین مربیان و متخصصان رسانه
۶۲	ارزیابی تاثیر سیاست ها
۶۴	دستورالعمل های آینده برای سیاست و عمل
۶۹	<b>بخش چهارم (آموزش راهبردهای سواد رسانه ای)</b>
۷۰	ایجاد محیط کلاس درس با سواد رسانه ای
۷۲	روش های تدریس تعاملی برای تحلیل رسانه ها
۷۵	استفاده از نمونه های رسانه های دنیای واقعی
۷۷	تشویق بحث ها و بحث های انتقادی
۸۰	آموزش پروژه محور در آموزش رسانه
۸۲	ارزیابی مهارت های سواد رسانه ای
۸۵	غلبه بر چالش ها در آموزش سواد رسانه ای
۸۸	بهترین شیوه از مربیان ایرانی
۹۱	<b>بخش پنجم (سواد دیجیتال و ایمنی آنلاین)</b>
۹۲	پیمایش در چشم انداز دیجیتال در ایران
۹۴	آموزش شهروندی دیجیتال مسئول
۹۸	پرداختن به اطلاعات نادرست آنلاین و اخبار جعلی
۱۰۰	تضمین حریم خصوصی و امنیت آنلاین
۱۰۳	مصرف انتقادی محتوای دیجیتال
۱۰۵	ردپای دیجیتال و مدیریت شهرت
۱۰۸	تشویق رفتار اخلاقی آنلاین
۱۱۰	ایجاد انعطاف پذیری در دنیای دیجیتال
۱۱۱	<b>منابع و ماخذ</b>

**بخش اول**

**رونمایی از منظر رسانه در ایران**

## توسعه تاریخی رسانه در ایران

تحول تاریخی رسانه در ایران سفری پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و فناوری شکل گرفته است. برای درک تحول رسانه ها در ایران، کاوش در بافت تاریخی غنی آن، از ابتدایی ترین اشکال ارتباطی آغاز می شود. ریشه رسانه های ایرانی را می توان در تمدن های باستانی جستجو کرد که از اشکال مختلف ارتباطی مانند کتیبه های خط میخی و طومارهای پاپیروس استفاده می کردند (یارشاطر، ۱۳۷۲، ص ۲۱). با این حال، در دوران طلایی اسلامی، به ویژه در قرون ۹ و ۱۰ میلادی بود که ایران سهم قابل توجهی در توسعه رسانه ها و فناوری های ارتباطی داشت. این دوره شاهد تأسیس کتابخانه ها، کتاب نامه ها و مراکز تولید نسخه های خطی بود که همگی در حفظ و نشر دانش نقشی محوری داشتند (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

ورود چاپخانه در ایران نقطه عطف مهمی در فضای رسانه ای کشور بود. در اواسط قرن نوزدهم، ایران شاهد ظهور سنگ نگاره بود که امکان تولید انبوه مطالب نوشتاری از جمله روزنامه و کتاب را فراهم کرد (اشتری، ۱۳۹۶، ص ۸۷). این پیشرفت تکنولوژیکی عصر جدیدی از انتشار اطلاعات را به وجود آورد و به رشد جمعیت باسواد کمک کرد.

با شروع قرن بیستم، ایران شاهد موجی از تأسیس روزنامه ها و نشریات بود. انقلاب مشروطه ۱۹۰۶-۱۹۱۱ نقش مهمی در این تحول ایفا کرد. این امر منجر به ظهور نشریاتی شد که از مشروطیت و اصلاحات سیاسی دفاع می کردند. شایان ذکر است روزنامه «ایران ما» که در سال ۱۳۰۹ تأسیس شد، نقش بسزایی در ترویج آرمان های مشروطه و بحث در مورد مسائل سیاسی داشت (شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).

اواسط قرن بیستم شاهد ظهور رسانه های تحت کنترل دولت در ایران بود. تحت حکومت محمدرضا شاه پهلوی، پادشاهی طرفدار غرب، حکومت بر رسانه ها کنترل داشت. این دوره

شاهد گسترش سیستم پخش تلویزیونی و رادیویی دولتی بود. در سال ۱۹۶۶، دولت رادیو و تلویزیون ملی ایران (NIRT) را برای متمرکز کردن کنترل رسانه ها تأسیس کرد (انتخابی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۹). تسلط دولت بر رسانه ها به آن اجازه داد تا روایت را شکل دهد و انتشار اطلاعات را کنترل کند.

با این حال، چشم‌انداز رسانه‌های ایران با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دستخوش تحولی شدید شد. انقلاب به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی، منجر به سرنگونی سلطنت پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی شد. انقلاب تأثیر عمیقی بر فضای رسانه ای گذاشت، زیرا منجر به ملی شدن و اسلامی شدن رسانه ها شد (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۶). بارزترین تغییر تبدیل NIRT به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (IRIB) بود که به صدای رسمی رژیم جدید تبدیل شد. این یک تغییر از رسانه های تحت کنترل دولت در دوران پهلوی به رسانه های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بود.

دوران پس از انقلاب نیز شاهد تکثیر رسانه های مکتوب، به ویژه روزنامه ها و مجلات، همسو با جناح های مختلف سیاسی بود. این رسانه ها بستری برای بحث های ایدئولوژیک و سیاسی شدند (فرهی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۴). علاوه بر این، دولت جدید رسانه هایی مانند خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) را برای انتشار اخبار و اطلاعات رسمی داخلی و بین المللی تأسیس کرد (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۵۹).

دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ شاهد ظهور مجدد رسانه های اصلاح طلب در ایران بود. در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، دوره کوتاهی از آرامش در سانسور رسانه ای وجود داشت که منجر به ظهور روزنامه ها و مجلات مستقلی شد که از اصلاحات سیاسی و اجتماعی حمایت می کردند (صالحی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲). روزنامه‌هایی مانند «سلام» و «نشاط» نقش مهمی در ترویج اندیشه‌های لیبرالی و فراهم کردن بستری برای بحث در مورد دموکراسی و حقوق بشر داشتند (زند، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴). با این حال، این دوره با کشمکش مستمر میان جناح‌های اصلاح طلب و محافظه کار همراه بود که منجر به تعطیلی موقت بسیاری از نشریات اصلاح طلب شد (میرسپاسی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹).

قرن بیست و یکم چالش ها و فرصت های جدیدی را برای رسانه های ایرانی به ارمغان آورد. پذیرش گسترده اینترنت و پلتفرم های رسانه های اجتماعی امکان ایجاد اشکال متنوع تر و غیرمتمرکز ارتباط را فراهم کرد. ایرانیان، به ویژه نسل جوان، به طور فزاینده ای به بسترهای آنلاین برای اطلاع رسانی و تعامل اجتماعی روی آوردند (خمیس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۲۳). دولت سعی کرده است محتوا و دسترسی آنلاین را تنظیم کند، اما رسانه های دیجیتال فضایی را برای مخالفت و به اشتراک گذاشتن دیدگاه های جایگزین فراهم کرده است (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱).

امروز، چشم انداز رسانه ای ایران ترکیبی پویا از رسانه های تحت کنترل دولت، روزنامه های مستقل، پلتفرم های آنلاین و رسانه های اجتماعی است. این ماهیت متنوع و پیچیده را منعکس می کند

### مروری بر چشم انداز رسانه های فعلی

فضای رسانه ای کنونی در ایران، ملیله پیچیده ای است که ماهیت متنوع و پویای جامعه ایران را منعکس می کند. این بررسی اجمالی مؤلفه های مختلف اکوسیستم رسانه ای در ایران را با در نظر گرفتن پلتفرم های سنتی و دیجیتال، دامنه، محتوا و چالش هایی که در زمینه معاصر با آن مواجه هستند، بررسی می کند.

رسانه های مکتوب در ایران سابقه ای طولانی دارند و همچنان نقش بسزایی در شکل گیری گفتمان عمومی دارند. روزنامه ها و مجلات متعددی به علایق مختلفی از جمله سیاست، فرهنگ و سبک زندگی توجه می کنند. با این حال، فضای رسانه های مکتوب تابع مقررات دولتی است و نشریات ممکن است به دلیل مخالفت با سیاست های دولتی با سانسور یا تعلیق مواجه شوند (انتخابی، ۱۳۹۶، ص ۹۸). برخی از روزنامه های مطرح مانند «شرق» و «اعتماد» به دلیل ارائه دیدگاه های نسبتاً لیبرالیستی و اصلاح طلبی شهرت خود را حفظ کرده اند (سرباز، ۱۳۹۸، ص ۱۴۴). با این وجود، چالش های اقتصادی و محدودیت های آزادی بیان همچنان بر بخش رسانه های چاپی تأثیر می گذارد.



رسانه های صدا و سیما اعم از تلویزیون و رادیو در ایران گستره وسیعی دارند. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همچنان بازیگر غالب است و چندین شبکه ملی و بین المللی را در اختیار دارد. کنترل دولتی بر رسانه های پخش تضمین می کند که خط رسمی دولت در بین مردم منتشر می شود. این امر منجر به انتقاد در مورد سوگیری رسانه ای و عدم تنوع در محتوا شده است (خمیس و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹).

ظهور رسانه های دیجیتال، از جمله درگاه های خبری آنلاین، پلتفرم های رسانه های اجتماعی و وبسایت های اشتراک گذاری ویدئو، چشم انداز رسانه ای در ایران را متحول کرده است. اینترنت و رسانه های اجتماعی به ابزارهای ضروری برای انتشار اخبار، فعالیت و تعامل اجتماعی تبدیل شده اند. پلتفرم هایی مانند تلگرام، اینستاگرام و توییتر به طور گسترده ای توسط ایرانیان به ویژه نسل جوان برای دسترسی به اطلاعات و بیان دیدگاه های خود استفاده می شود (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۵۶). با این حال، دولت ایران تلاش کرده است تا محتوای آنلاین را تنظیم و سانسور کند، که منجر به بازی موش و گربه بین مقامات و شهروندان فن آوری شده است (انتخابی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷). این مبارزه برای کنترل رسانه های دیجیتال محیطی پویا و همیشه در حال تغییر ایجاد کرده است.

فضای رسانه ای در ایران خالی از چالش نیست. کنترل شدید دولت بر محتوای رسانه ها و مقررات و همچنین سانسور صداهای مخالف، آزادی مطبوعات را محدود می کند. روزنامه نگاران و متخصصان رسانه ها اغلب به دلیل گزارش در مورد موضوعات حساس با آزار، دستگیری و زندان مواجه می شوند (سرباز، ۱۳۹۵، ص ۷۵). علاوه بر این، فشارهای اقتصادی و فرصت های تبلیغاتی محدود، حفظ خود را برای بسیاری از رسانه ها دشوار کرده است.

علیرغم این چالش ها، فضای رسانه ای ایران بازتاب دهنده جامعه متنوع این کشور است. رسانه های وابسته به گروه های مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی طیفی از دیدگاه ها و دیدگاه ها را ارائه می دهند. رسانه های اصلاح طلب، محافظه کار و مستقل در کنار هم زندگی می کنند و به مخاطبانی با گرایش های سیاسی متفاوت می پردازند (انتخابی، ۱۳۹۸،

ص ۱۱۲). این تنوع در محتوا و موضع تحریریه تضمین می کند که هیچ کمبودی در بحث و گفتگو در رسانه های ایران وجود نداشته باشد.

ایرانیان همچنین به منابع رسانه ای بین المللی از جمله برنامه های فارسی زبان بی بی سی و صدای آمریکا (VOA) دسترسی دارند. این رسانه ها دیدگاهی جایگزین از رویدادهای جهان ارائه می دهند و فرصتی را برای ایرانیان فراهم می کنند تا به اخبار و اطلاعاتی دست یابند که ممکن است در فضای رسانه های داخلی به راحتی در دسترس نباشد.

چشم انداز رسانه ای کنونی در ایران با تعادل ظریف بین رسانه های تحت کنترل دولت و فضای دیجیتال پویا مشخص می شود که امکان تبادل ایده ها و دیدگاه های متنوع را فراهم می کند. در حالی که چالش های مربوط به سانسور و کنترل دولت همچنان ادامه دارد، رسانه های ایرانی، چه سنتی و چه دیجیتال، همچنان به سازگاری خود ادامه می دهند و نقش مهمی در شکل دهی افکار عمومی و تسهیل گفتمان در یک جامعه پیچیده و در حال تکامل دارند.

## دولت در مقابل رسانه های خصوصی: قانون متعادل کننده

چشم انداز رسانه ای در ایران با تعادل ظریف بین رسانه های دولتی و خصوصی مشخص شده است. این توازن در طول سال ها شکل گرفته است که بر اساس پویایی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور شکل گرفته است. برای درک پیچیدگی های این تعامل بین رسانه های دولتی و خصوصی، بررسی جنبه های تاریخی، حقوقی و اجتماعی که بر محیط رسانه ای در ایران تأثیر گذاشته اند، ضروری است.

زمینه تاریخی رسانه دولتی در مقابل خصوصی در ایران عمیقاً با تحولات سیاسی کشور در هم تنیده است. استقرار رسانه های تحت کنترل دولت را می توان به دوران پهلوی در زمان محمدرضا شاه که به دنبال تحکیم حکومت خود و شکل دهی روایت از طریق رسانه ها بود، برمی گردد. کنترل دولت به روزنامه ها، رادیو و تلویزیون نیز کشیده شد و آن را قادر ساخت تا برنامه مورد نظر خود را تبلیغ کند (رهبری، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

با انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، فضای رسانه ای دستخوش دگرگونی شدید شد. دولت تحت عنوان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مسئولیت رسانه ها را بر عهده گرفت و بر محتوا و سیاست های تحریریه نظارت شدیدی داشت (رهبری، ۱۳۹۴، ص ۸۸). این نشان دهنده تغییر از یک رسانه تحت کنترل سلطنتی به یک چشم انداز رسانه ای است که نزدیک به اصول ایدئولوژیک رژیم جدید است.

کنترل دولت ایران بر رسانه ها همچنان قابل توجه و فراگیر است. صدا و سیما به عنوان سازمان صدا و سیما رسمی دولت در شکل دهی به افکار عمومی و انتشار اطلاعات تأثیر بسزایی دارد. با داشتن شبکه وسیعی از شبکه های تلویزیونی و رادیویی، نقش تعیین کننده ای در پیشبرد دستور کار دولت ایفا می کند (معزی، ۲۰۱۸، ص ۱۱۰). رسانه های تحت کنترل دولت اغلب ارزش های محافظه کارانه رژیم را منعکس می کنند و ایدئولوژی های مذهبی و سیاسی را ترویج می کنند که با مقامات حاکم همسو هستند (انتخابی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۶).

علاوه بر این، رسانه های دولتی مسئول مدیریت مسائل مربوط به امنیت ملی و انتشار بیانیه های رسمی دولت هستند. در زمان بحران، این بسترهای رسانه ای به عنوان مجرای ارتباط دولت با مردم عمل می کنند (اسدی و خلیلی، ۲۰۱۷، ص ۵۴). کنترل دولت بر رسانه ها را می توان در ظرفیت آن برای سرکوب مخالفان و دستکاری روایت ها برای تضمین ثبات رژیم مشاهده کرد.

رسانه های خصوصی در ایران مجبور بوده اند در محیطی پیچیده و اغلب چالش برانگیز حرکت کنند. در حالی که رسانه های خصوصی در مقایسه با همتایان تحت کنترل دولتی خود از آزادی ویراستاری بیشتری برخوردارند، آنها مشمول مقررات سختگیرانه و سانسور هستند. دولت رهنمودهایی را اجرا می کند که محتوا را در موضوعات حساس محدود می کند، مانند سیاست، مذهب، و مسائل اجتماعی (خامیس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۲۹). در نتیجه، رسانه های خصوصی اغلب برای جلوگیری از دخالت دولت، خودسانسوری می کنند.

در دوران پس از انقلاب، روزنامه ها و مجلات خصوصی به وجود آمدند که نمایانگر دیدگاه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند. این رسانه ها بستری برای صداها و دیدگاه های جایگزین فراهم کردند و به تکثرگرایی در رسانه های ایران کمک کردند (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۵۶). با این حال، آنها همچنین با چالش های متعددی از جمله تعطیلی ها و تعلیق های تحمیلی دولت روبرو بوده اند که تنش مداوم بین رسانه های دولتی و خصوصی را برجسته می کند (صالحی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶).

رابطه رسانه های دولتی و خصوصی در ایران را می توان به عنوان یک اقدام موازنه ظریف توصیف کرد. از یک سو، دولت به دنبال حفظ کنترل رسانه ها برای حفظ منافع خود است و اطمینان حاصل می کند که چشم انداز رسانه ای با دستور کار دولت همسو می شود. از سوی دیگر، رسانه های خصوصی تلاش می کنند تا در چارچوب محدودیت های تحمیل شده توسط دولت عمل کنند و در عین حال تلاش می کنند دیدگاه های متنوعی ارائه کنند و در گفتمان انتقادی شرکت کنند (فرهی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶).

این اقدام متعادل کننده نیز تحت تأثیر منافع و برنامه های جناح های مختلف سیاسی در ایران است. جناح های اصلاح طلب و محافظه کار اغلب از رسانه ها به عنوان میدان جنگ برای روایت های رقیبشان استفاده می کنند و رسانه های خصوصی با برنامه های مربوطه شان همسو می شوند (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۰). دولت در مواقعی اجازه می دهد تا حدی از کثرت گرایی رسانه ای این جناح ها را مدیریت کند و مخالفت ها را به فضاهای کنترل شده هدایت کند.

علاوه بر این، ظهور رسانه های دیجیتال و اجتماعی این عمل متعادل کننده را پیچیده تر کرده است. اینترنت و بسترهای اجتماعی فضایی را برای افراد و گروه ها فراهم کرده است تا نظرات خود را بیان کنند و اطلاعاتی خارج از کنترل دولت به اشتراک بگذارند (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳۳۰). با این حال، دولت همچنین اقداماتی را برای تنظیم محتوای آنلاین و نظارت بر ارتباطات دیجیتال برای کاهش تأثیر قلمرو دیجیتال بر قدرت دولتی انجام داده است.

پویایی رسانه‌های دولتی و خصوصی در ایران تحت تأثیر عوامل تاریخی، سیاسی و فناوری شکل گرفته است. در حالی که رسانه‌های تحت کنترل دولت همچنان در پیشبرد دستور کار دولت تأثیرگذار هستند، رسانه‌های خصوصی همچنان برای استقلال و تنوع تلاش می‌کنند. تنش مداوم بین این دو حوزه، یک چشم‌انداز رسانه‌ای پیچیده و همیشه در حال تحول در ایران ایجاد می‌کند.

### نقش رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال

ظهور رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال شیوه انتشار، اشتراک‌گذاری و مصرف اطلاعات در ایران را متحول کرده است. این بخش به بررسی تأثیر عمیق رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال بر چشم‌انداز رسانه‌ای کشور می‌پردازد، با تمرکز بر توسعه تاریخی آنها، چالش‌هایی که برای دولت ایران ایجاد می‌کنند، و نقش آن‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی و تسهیل جنبش‌های اجتماعی و سیاسی. ظهور رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، فضای رسانه‌ای ایران را تغییر داده و فضایی را برای روایت‌های جایگزین و مشارکت بیشتر شهروندان در حوزه‌های آنلاین و آفلاین فراهم کرده است.

گسترش رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال در ایران را می‌توان به اوایل دهه ۲۰۰۰، زمانی که اینترنت در کشور محبوبیت پیدا کرد، ردیابی کرد. با ظهور فناوری دیجیتال و دسترسی روزافزون به اینترنت، ایرانیان راه‌های جدیدی برای ارتباط و بیان پیدا کردند (وکیل، ۱۳۹۴، ص ۴۵). در ابتدا، پلتفرم‌هایی مانند Friendster و Orkut در بین جوانان ایرانی مورد توجه قرار گرفتند و به عنوان پیش‌آهنگ‌های اولیه برای پلتفرم‌های برجسته‌تر که بعداً ظهور خواهند کرد، خدمت کردند. با این حال، مهم‌ترین نقطه عطف، ظهور پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، توییتر و اینستاگرام بود که به طور گسترده در بین کاربران ایرانی محبوب شدند (اصلان، ۱۳۹۶، ص ۶۸).

دولت ایران به پتانسیل این بسترها برای بسیج اجتماعی و سیاسی پی برد و با اقداماتی برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های آنلاین پاسخ داد. با این حال، ماهیت غیرمتمرکز و باز اینترنت، اعمال همان سطح کنترلی که دولت بر رسانه‌های سنتی داشت را دشوار می‌کند.

کرد (خمیس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۳۲). این پویایی منجر به یک بازی موش و گربه بین مقامات و کاربران متبحر فناوری شد که به دنبال دور زدن سانسور بودند.

ایران علاوه بر غول‌های رسانه‌های اجتماعی جهانی، پلتفرم‌های داخلی خود مانند تلگرام و آپارات را نیز توسعه داد که در بین ایرانیان محبوبیت زیادی پیدا کرد (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۴). این پلتفرم‌ها خدمات و ویژگی‌هایی را ارائه می‌کردند که اولویت‌های محلی و نیازهای زبانی را برآورده می‌کردند و به کاربران گزینه‌هایی برای پلتفرم‌های جهانی و احساس مالکیت بر فضاها دیجیتال خود ارائه می‌دادند.

گسترش سریع رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال چالش‌های مهمی را برای کنترل دولت ایران بر جریان اطلاعات و گفتمان عمومی ایجاد کرد. از آنجایی که کاربران ایرانی این پلتفرم‌ها را برای ارتباط و بیان خود پذیرفتند، از آن‌ها به عنوان ابزاری برای دور زدن سانسور و سازماندهی اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی نیز استفاده کردند. به عنوان مثال، جنبش سبز سال ۲۰۰۹ به شدت به پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای بسیج و انتشار اطلاعات وابسته بود (کیان، ۲۰۱۷، ص ۱۱۲).

در پاسخ به این فعالیت دیجیتال جدید، دولت روش‌های پیچیده‌تر سانسور و نظارت آنلاین را اجرا کرد. توسعه شبکه ملی اینترنت (SHOMA) به مقامات این امکان را داد تا ترافیک اینترنتی را به طور مؤثرتری نظارت و فیلتر کنند و آنها را قادر سازد تا دسترسی به وب سایت‌ها و بسترهای رسانه‌های اجتماعی خاص را مسدود کنند (دهقان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵). تلاش‌های دولت برای کنترل اینترنت همچنین شامل الزام شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی برای ذخیره داده‌های کاربران ایرانی در داخل کشور بود که به مقامات دسترسی بیشتری به اطلاعات کاربران می‌داد (دهقان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵).

علی‌رغم این اقدامات، ایرانی‌های آگاه به فناوری همچنان به یافتن راه‌هایی برای دسترسی به محتوای مسدود شده، مانند شبکه‌های خصوصی مجازی (VPN) و سایر ابزارهای دور زدن ادامه دادند. نبرد دولت برای حفظ کنترل بر حوزه دیجیتال، دشواری تنظیم یک محیط آنلاین بدون مرز و دائماً در حال تکامل را برجسته کرد.

رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال نقشی محوری در شکل‌دهی افکار عمومی در ایران داشته‌اند. کاربران برای کسب اطلاعات، اخبار و بحث در مورد طیف وسیعی از موضوعات، از سیاست و مذهب گرفته تا فرهنگ و سرگرمی، به این پلتفرم‌ها مراجعه کردند. وبلاگ نویسان مستقل و شهروند روزنامه نگاران با ارائه منابع جایگزین اخبار و تحلیل ظهور کردند (خزعلی، ۲۰۱۸، ص ۷۶). این اکوسیستم رسانه ای غیرمتمرکز و متنوع، امکان شنیدن تنوع بیشتری از صداها و دیدگاه‌ها را فراهم می‌کرد و کنترل دولت بر روایت را به چالش می‌کشید.

علاوه بر این، بسترهای رسانه‌های اجتماعی سازماندهی جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران را تسهیل کرده‌اند. بهار عربی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به عنوان یک کاتالیزور برای فعالیت آنلاین در منطقه عمل کرد و فعالان ایرانی را ترغیب کرد تا از رسانه‌های اجتماعی برای بسیج استفاده کنند (اصلان، ۲۰۱۷، ص ۷۰). متعاقباً، پلتفرم‌هایی مانند توییتر و تلگرام در هماهنگی اعتراضات، انتشار اطلاعات و ارتباط فعالان مؤثر واقع شدند (دهقان، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰). این پلتفرم‌های دیجیتال به شهروندان این امکان را می‌دهد تا در فعالیت‌های جامعه مدنی شرکت کنند، از حقوق بشر دفاع کنند و مخالفت خود را ابراز کنند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های نقش رسانه‌های اجتماعی در سیاست ایران، در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ بود که شاهد انتخاب حسن روحانی بودیم. رسانه‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزات انتخاباتی او داشتند، زیرا به او اجازه می‌دادند مستقیماً با رأی‌دهندگان درگیر شود و حمایت را بسیج کند (صالحی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۳). این انتخابات تأثیر پلتفرم‌های دیجیتال را بر سیاست ایران و پتانسیل آنها برای شکل دادن به آینده کشور نشان داد.

رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال تأثیر عمیقی بر چشم‌انداز رسانه‌ای در ایران داشته‌اند. توسعه تاریخی، چالش‌های کنترل دولت و نقش آنها در شکل‌دهی افکار عمومی و تسهیل جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، اجزای جدایی‌ناپذیر محیط رسانه‌ای در حال تحول است. از آنجایی که این پلتفرم‌ها همچنان به ایفای نقش حیاتی در جامعه ایران

ادامه می‌دهند، پرسش‌هایی درباره تعادل بین کنترل دولتی و حقوق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات و بیان دیدگاه‌های خود در عصر دیجیتال مطرح می‌کنند.

### پیمایش سانسور رسانه‌ها و محدودیت‌ها

سانسور و محدودیت‌های رسانه‌های جنبه‌ای فراگیر و ماندگار از چشم‌انداز رسانه‌های ایران در طول تاریخ آن بوده است. درک اینکه چگونه رسانه‌ها و افراد با این چالش‌ها کنار می‌آیند، برای درک پیچیدگی‌های محیط رسانه‌ای ایران بسیار مهم است. این بخش به بررسی اشکال مختلف سانسور و محدودیت‌ها در ایران می‌پردازد و راهبردهایی را که متخصصان و فعالان رسانه برای دور زدن آنها به کار می‌گیرند، بررسی می‌کند.

سانسور در ایران اشکال مختلفی دارد که شامل اقدامات آشکار و پنهان است. دولت ایران تحت نظارت مقام معظم رهبری و نهادهای دولتی، کنترل شدیدی بر محتوای رسانه‌ها اعمال می‌کند. یکی از بارزترین اشکال سانسور، بررسی کلیه نشریات توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که تضمین می‌کند آنها با دستورالعمل‌های عقیدتی و سیاسی دولت مطابقت دارند (تهرانی، ۱۳۹۶، ص ۸۲). هر محتوایی که برانداز یا مغایر با ارزش‌های حکومت تلقی شود، در معرض سانسور قرار می‌گیرد، که اغلب منجر به خودسانسوری توسط رسانه‌ها برای جلوگیری از عواقب آن می‌شود (میلانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

علاوه بر این، دولت ایران محدودیت‌هایی را برای رسانه‌های خارجی و خبرنگاران خارجی اعمال کرده و دسترسی آنها به کشور را محدود کرده و گزارش‌دهی آنها را به شدت تنظیم کرده است (سقای بی‌ریا، ۲۰۱۸، ص ۴۲). خبرگزاری‌های خارجی موظفند از طریق شرکای ایرانی کار کنند و گزارش‌های بی‌طرفانه درباره رویدادهای داخلی را به چالش می‌کشند.

سانسور اینترنتی یکی دیگر از ابعاد مهم کنترل رسانه در ایران است. دولت از تکنیک‌های پیشرفته فیلترینگ و نظارت برای محدود کردن دسترسی به وبسایت‌ها و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی که تهدیدی برای اقتدارش تلقی می‌شوند، استفاده می‌کند (پورزند، ۱۳۹۸، ص ۶۶). ابزارهایی مانند شبکه ملی اطلاعات (NIN) برای کنترل و فیلتر کردن



محتوای آنلاین استفاده می‌شوند و به طور مؤثر دسترسی به اطلاعات را محدود می‌کنند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸).

در مواجهه با سانسور و محدودیت‌های شدید، متخصصان رسانه در ایران راهبردهای نوآورانه‌ای را برای انتشار اطلاعات و ترویج آزادی بیان ایجاد کرده‌اند. یکی از این استراتژی‌ها استفاده از ابزارهای دور زدن و شبکه‌های خصوصی مجازی (VPN) برای دسترسی به وب سایت‌های مسدود شده و دور زدن سانسور اینترنت است (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۷۵). این امر افراد را قادر می‌سازد تا به مجموعه وسیع تری از اطلاعات دسترسی داشته باشند و حضور خود را در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، حتی در مواجهه با سرکوب‌های دولتی، حفظ کنند.

علاوه بر این، مطبوعات زیرزمینی نقش حیاتی در انتشار اطلاعات بدون سانسور داشته‌اند. هدف این نشریات که اغلب به صورت مخفیانه تولید می‌شود، مقابله با روایت حکومت و ارائه دیدگاه‌های جایگزین است (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۹۷). اگرچه رسانه‌های زیرزمینی در محیطی مخاطره‌آمیز فعالیت می‌کنند، اما به عنوان منابع مهم اخبار و تحلیل‌های مستقل عمل می‌کنند.

رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری قدرتمند برای فعالان و روزنامه‌نگاران ایرانی برای به اشتراک گذاری اطلاعات و افزایش آگاهی ظاهر شده‌اند. پلتفرم‌هایی مانند توئیتر و تلگرام فضایی را برای گفتمان باز فراهم کرده‌اند که به کاربران امکان می‌دهد سانسور رسانه‌های سنتی را دور بزنند (کاویانی، ۲۰۱۹، ص ۱۳۵). دولت ایران با سرکوب‌های دوره‌ای بر این پلتفرم‌ها واکنش نشان داده است که نتیجه آن یک بازی موش و گربه بین مقامات و کاربران است.

پیمودن سانسور و محدودیت‌های رسانه‌ای در ایران خالی از چالش و پیامد نیست. متخصصان رسانه‌ای که مرزهای آنچه را که قابل قبول تلقی می‌شود جابجا می‌کنند، اغلب با عواقب قانونی از جمله دستگیری، زندان و آزار و اذیت مواجه می‌شوند (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲). پیامدهای چنین اقداماتی فراتر از فرد است و بر رسانه‌ها و توانایی آنها برای فعالیت آزادانه تأثیر می‌گذارد.

تلاش‌های دولت برای کنترل رسانه‌ها نیز بر کیفیت و دقت گزارش‌های خبری در ایران تأثیر می‌گذارد. با فقدان آزادی مطبوعات و تهدید دائمی سانسور، خودسانسوری به یک رویه رایج در میان روزنامه نگاران تبدیل می‌شود که منجر به فضای ترس و عدم اطمینان می‌شود (خزعلی، ۱۳۹۹، ص ۵۴). در نتیجه، گزارش‌دهی عینی اغلب به خطر می‌افتد و صداها جایگزین برای یافتن یک پلتفرم تلاش می‌کنند.

حمایت و حمایت بین‌المللی از آزادی مطبوعات و آزادی بیان نقش مهمی در به چالش کشیدن سانسور رسانه ای در ایران دارد. سازمان‌هایی مانند گزارشگران بدون مرز و کمیته حفاظت از خبرنگاران در افزایش آگاهی در مورد چالش‌های پیش روی متخصصان رسانه‌های ایرانی و دفاع از حقوق آنها فعال بوده‌اند (گزارشگران بدون مرز، ۲۰۲۲). فشارهای بین‌المللی گاه منجر به آزادی روزنامه نگاران زندانی و افزایش توجه به آزادی رسانه در ایران شده است.

سانسور و محدودیت‌های رسانه ای در ایران تأثیر عمیقی بر فضای رسانه ای کشور دارد. حمایت بین‌المللی همچنین نقش مهمی در به چالش کشیدن سانسور و حمایت از حقوق متخصصان رسانه ایفا می‌کند. درک پویایی سانسور رسانه ای در ایران برای درک زمینه وسیع‌تر محیط رسانه ای ایران ضروری است.

## رسانه ها و اینفلوئنسرهای مطرح ایرانی

چشم‌انداز رسانه‌های ایران با طیف متنوعی از رسانه‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار مشخص شده است که نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی و انتشار اطلاعات دارند. برای به دست آوردن درک جامع از صحنه رسانه معاصر ایران، بررسی رسانه‌های برجسته و افراد تأثیرگذار که در این محیط پویا نقش خود را به جای گذاشته‌اند، ضروری است. در این بخش، مروری بر برخی از بازیگران کلیدی رسانه‌های ایران، چه در حوزه سنتی و چه در حوزه دیجیتال، و همچنین تأثیری که بر فضای رسانه‌ای کشور دارند، ارائه می‌شود.

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران: صدا و سیما، صدا و سیما، یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های رسانه ای در ایران است. این شبکه چند کانال تلویزیونی و رادیویی را اداره

می کند و مسئولیت پخش داخلی و بین المللی را بر عهده دارد (انتخابی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۹). صدا و سیما نقش محوری در انتشار اطلاعات رسمی حکومت و شکل دادن به فضای رسانه ای در راستای ارزش های جمهوری اسلامی دارد.

پرس تی وی: پرس تی وی که در سال ۲۰۰۷ راه اندازی شد، شبکه خبری انگلیسی زبان ایران با مخاطبان جهانی است. به عنوان بستری برای ارائه دیدگاه های ایران در امور بین الملل عمل می کند. پرس تی وی قصد دارد با آنچه که به عنوان پوشش مغرضانه رسانه های غربی تلقی می کند مقابله کند (محمدی، ۲۰۰۹، ص ۱۶۷).

خبرگزاری فارس: خبرگزاری فارس یک خبرگزاری نیمه رسمی در ایران است. با ارائه ترکیبی از اطلاعات رسمی و گزارش های مستقل، بستری را برای پوشش خبری داخلی و بین المللی فراهم می کند (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۵۹).

خبرگزاری تسنیم: یکی دیگر از خبرگزاری های مهم در ایران، تسنیم به دلیل ارتباط نزدیکش با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شناخته می شود. اخبار و تحلیل ها را با تأکید ویژه بر رویدادهای منطقه ای و بین المللی ارائه می کند (کاظم، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

روزنامه های اصلاح طلب: چند روزنامه و مجله اصلاح طلب تأثیر بسزایی در فضای رسانه ای ایران داشته اند، از جمله «شرق»، «اعتماد» و «آفتاب یزد». این رسانه ها بسترهایی را برای صداهای مترقی و بحث در مورد اصلاحات سیاسی و اجتماعی فراهم کرده اند (مقدم، ۱۳۹۲، ص ۲۲۱).

رسانه های محافظه کار: روزنامه ها و رسانه های محافظه کار مانند «کیهان» و «رسالت» ارزش های سنتی و محافظه کارانه را تبلیغ می کنند. آنها در میان اقشار خاصی از مردم ایران طرفداران زیادی دارند و مدافع حفظ اصول جمهوری اسلامی هستند (کاظمی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲).

رسانه آنلاین مستقل: حوزه دیجیتال شاهد ظهور وب سایت های خبری مستقلی مانند «دفتر تهران» و «ایران وایر» بوده است که هدفشان ارائه دیدگاه های جایگزین و گزارش

در مورد موضوعاتی است که رسانه های جریان اصلی پوشش نمی دهند (لادان، ۲۰۱۵، ص ۳۹۸).

علی خامنه‌ای: علی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر ایران، تأثیر چشمگیری بر سیاست‌گذاری و انتصابات رسانه‌ای در کشور دارد. سخنرانی‌ها و اظهارات او اغلب لحن ایدئولوژیک را برای رسانه های تحت کنترل دولت تعیین می کند (انتخابی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۱).

حسن روحانی: حسن روحانی که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ به عنوان رئیس جمهور ایران خدمت می کرد، به عنوان یک چهره میانه رو در سیاست ایران تلقی می شد. دولت او با محیط رسانه ای نسبتاً بازتر و فشار برای تعامل با جامعه بین المللی همراه بود (رستمی پووی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

مازیار بهاری: مازیار بهاری به‌عنوان روزنامه‌نگار و فیلم‌ساز، برای کارش شهرت بین‌المللی پیدا کرد. زندانی شدن وی در ایران و آزادی متعاقب آن به طور گسترده در رسانه های بین المللی پوشش داده شد و توجه به مسائل آزادی مطبوعات و حقوق بشر در کشور جلب شد (بهاری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵).

حسین درخشان: حسین درخشان که به «پدر وبلاگ ایران» معروف است، نقشی محوری در معرفی وبلاگ نویسی و شبکه های اجتماعی به ایرانیان داشت. تأثیر او بر رسانه های دیجیتال در ایران عمیق بوده است (درخشان، ۱۳۹۸، ص ۵).

شیرین عبادی: شیرین عبادی، وکیل ایرانی و قاضی سابق، در سال ۲۰۰۳ به دلیل تلاش‌هایش برای ارتقای حقوق بشر در ایران، جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. او همچنان در دفاع از آزادی‌های مدنی و حاکمیت قانون نقش مؤثری دارد (عبادی، ۱۳۸۵، ص ۹۸).

چشم انداز رسانه های ایران با تعامل پیچیده ای از رسانه های تحت کنترل دولت، صداهای مستقل و شخصیت های تأثیرگذار مشخص می شود. در حالی که رسانه‌های تحت کنترل دولت همچنان یک نیروی مسلط در شکل دهی روایت مطابق با سیاست‌های دولت هستند، رسانه‌های آنلاین مستقل و پلت‌فرم‌های دیجیتال فضایی را برای دیدگاه‌ها و بحث‌های جایگزین فراهم کرده‌اند. شخصیت‌های با نفوذ در داخل و خارج از ایران همچنان بر محیط